

روایتی از آنها که زمینه‌های فکری انقلاب را فراهم کردند
کوششهای زنانه برای مشروطه

فائزه توکلی*: جنبش مشروطه ایران، جنبش ضد استبدادی و نوحاهی علیه سنت‌گرایی بود. در این جنبش، زنان همدوش و همراه مردان بودند. نقش زنان ایرانی در تحولات اجتماعی، مبارزات و شورش‌ها، به عنوان نیمی از پیکره اجتماع، همواره نمود بارزی در تاریخ معاصر کشورمان داشته است. در ذیل شرح حال برخی از زنان پیشرو در دوران مشروطه می‌آید. بی‌بی‌خانم استرآبادیاز جمله زنانی که در بالابردن سطح آگاهی و شعور زنان در دوره مشروطه نقش داشت، بی‌بی‌خانم استرآبادی بود. پدرش کربلایی باقرخان نام داشت که قوللر آقاسی فتح‌علی‌شاه بود. بی‌بی‌خانم در محیط اندرونی ناصرالدین‌شاه قاجار پرورش یافت و به فرمان همین شاه قاجار، همراه دختران دیگر دربار به آموختن علم پرداخت. حاصل زندگی خانوادگی بی‌بی‌خانم پس از ازدواج با موسی‌خان وزیری، معروف به پیمبر، هفت فرزند بود که پس از گرفتن یک خدمتکار زن به نام بانو برای امور خانه، با خیانت همسرش مواجه و دچار مشکلات زناشویی شد؛ تا جایی که برای مدتی خانه و کاشانه را ترک کرد. ولی پس از چندی به ناچار با شوهر از در آشتی درآمد که از استحکام چندان بر خوردار نبود؛ زیرا موسی‌خان چندی بعد از همسر دیگر خود صاحب دختری به نام مریم شد. از این‌رو، بی‌بی‌خانم که اینک تجربه تلخ هووداری را تجربه کرده بود، راه جدایی آشتی‌ناپذیری را با موسی‌خان پیش گرفت. بی‌بی‌خانم در یک میهمانی زنانه، کتاب زن‌ستیز «تأدیب‌النسوان» تألیف خانم میرزا احتشام‌الدوله را دید. بنا بر درخواست بسیاری از زنان هم‌عصر خود، درصدد پاسخ‌گویی به آن برآمد. به همین منظور، کتاب «معایب‌الرجال» را در 1313 هجری قمری به نام ناصرالدین‌شاه نوشته و به او تقدیم کرد و کتاب را در چهار مجلس: اطوار شراب‌خواری، کردار اهل قلم، چرس و بنگ و وافور و اسرار، عبقر و الواط، در رد تأدیب‌النسوان به رشته تحریر درآورد. بی‌بی‌خانم در این کتاب عنوان می‌کند که هیچ مردی از زنی بالاتر نیست و هیچ زنی نیز از مردی پایین‌تر نیست. به همین جهت، او از کتاب تأدیب‌النسوان که جهت فکری نویسنده را که رستگاری زن را در گرو اطاعت محض از شوهر می‌داند و تعدد زوجات مرد را ناشی از عدم تمکین و اطاعت محض از مردان قلمداد می‌کند، انتقاد می‌کند و می‌نویسد مؤلف از تحریر آن صرفاً قصد داشته که زنان را مطابق خواسته‌ها و معیار مردان تربیت کند. از این‌رو، آن را نه تنها وسیله تربیت زنان نمی‌داند، بلکه ابزاری برای ستمکاری مردان بر می‌شمارد. بی‌بی‌خانم به دلیل برخورداری از سطح خوب آگاهی‌های اجتماعی، مطالبی راجع به صیغه، تعدد زوجات، بسیاری از عادات زشت و دل‌مشغولی‌های ناشایست مردان را بیان می‌کند و این مسائل را زمینه‌ساز مشکلات و بحران در نهاد خانواده ایرانی می‌داند. از کتاب معایب‌الرجال چند نسخه خطی باقی است؛ یکی به خط خود بی‌بی‌خانم که دخترش مولود وزیری آن را به کتابخانه مجلس شورای ملی سپرد. در بهار 1371 هجری شمسی / 1992 میلادی، کانون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان کتاب، این اثر و کتاب تأدیب‌النسوان را تحت عنوان «روپارویی زن و مرد در عصر قاجار: تأدیب‌النسوان و معایب‌الرجال» در شیکاگو در سلسله انتشارات نگرش و نگارش زن به چاپ رساندند. بی‌بی‌خانم از آنجایی که معتقد بود پسر و دختر باید یکسان آموزش ببینند و کسب معرفت کنند، در این راه خاموش ننشست. او برای رفع ظلم از زنان و رشد و آگاهی و تربیت آنان، در 1324 هجری قمری، نخستین مدرسه دخترانه تهران را با نام دبستان دوشیزگان تأسیس کرد. تاج‌السلطنه‌هاز زنانی که با افکار نوین اجتماعی، تاریخ فرانسه، اهمیت تدوین قوانین مدنی و تعلیم‌وتربیت و چهره‌های سیاسی آن زمان مانند بیسمارک آشنا شد و زمینه آگاهی او نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی ارتقا یافت، تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه بود. بر اثر تحولی فکری که در او ایجاد شد، خاطراتی را از وضعیت اجتماعی زنان آن دوران به تحریر درآورد که در آن، زنان را به گرفتن حقوق خود تشویق می‌کرد و حقوق زنان را تربیت اطفال، کمک‌کردن به مردها مانند زنان اروپایی، پاک‌ی و عفت، وطن‌دوستی، طرد تنبلی و خانه‌نشینی و... می‌دانست. او فرهنگ مردسالاری را به باد انتقاد می‌گیرد و از اینکه زنان ایرانی در کنج خانه، گوشه عزلت اختیار کرده و تمام ساعات عمر مشغول کسب اخلاق بد هستند، ابراز ناخشنودی و نارضایتی می‌کند. جهل و خرافه‌پرستی و بی‌سوادی زنان را مطرود می‌داند. او به ریشه‌یابی مشکلات زنان می‌پردازد و عواملی را که منجر به فساد و فحشای زنان می‌شود، بر می‌شمارد و تعدد زوجات در مردان را به‌ویژه در پدر خود، ناصرالدین‌شاه، به همین دلیل، سلطانی فوق‌العاده بدبخت می‌داند که هیچ‌گاه نمی‌توانسته میل یا علاقه خود را به‌موقع به زن یا اولاد خود بروز دهد. همچنین او در خاطرات خود، نگاهی دقیق و نقادانه به نج و سلطنت و ملکداری ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه و اوضاع دربار آنان دارد؛ تا آنجا که مظفرالدین‌شاه را فردی ضعیف، نادان و عشرت‌طلب می‌دانست و فسادهای اخلاقی او و درباریان، نقش رجال سیاسی و سرنوشت‌ساز مملکت مانند امین‌السلطان و سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ظلم و ستم خانواده آقابالاخان در طالش را تشریح و توصیف می‌کند. به‌این‌ترتیب، تاج‌السلطنه با نقد بی‌پروایانه تاریخ خاندان خود، به انتقاد از آنان می‌پردازد. تاج‌السلطنه در خاطرات خود به

قراردادهایی که نتیجه‌ای جز پریشان‌حالی و فقر برای ملت ایران دربر نداشته، بی‌اعتنا نبوده و به واگذاری نفت مناطق بختیاری به انگلیسی‌ها واکنش نشان داده و به دیده انتقادی به آن نگریسته است. تاج‌السلطنه از زنان درباری پیشرویی بود که با بصیرت از اوضاع اجتماعی دوران خود در جهت روشن‌گری زنان و حقوقشان گام‌های مهمی برداشت. ربابه صالحی‌برغانیربابه‌خانم، دختر ملا محمدصالح برغانی و آمنه‌خانم قزوینی است، او خواهر طاهره قره‌العین است. خاندان او از روحانیون صاحب‌نامی بودند که بسیاری از زنان و مردان آن از علما و فضلاء برجسته محسوب می‌شدند. ربابه از زنان عالم، فاضل، محدث، مجتهد، خطیب و واعظ در عصر قاجار بود. ربابه از جمله زنانی بود که در سخنرانی‌ها و مجالس از مظلالم دربار و امرا به‌ویژه شخص ناصرالدین‌شاه قاجار انتقاد می‌کرد و شاه قاجار به‌هیچ‌وجه به او معترض نمی‌شد. او به جهت تسلط بر احادیث کتب اربعه و آرای علمای گذشته و هم‌عصر به استنباط احکام شرعی و موضوعات علمی می‌پرداخت و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد. ربابه از زنان خیری نیز بود که به فقر و درماندگان پناه می‌داد. ربابه در زمینه نظم، دیوان شعری دارد به عربی و فارسی که قسمتی از اشعار عربی او در شرح مناقب خاندان عصمت و طهارت و امام حسین علیه‌السلام است و آثار نثر او عبارت‌اند از: رساله‌ای در عرفان، کتاب زکات، کتب ارث، کتاب امامت. ربابه صالحی در سال 1322 هجری قمری درگذشت اما روشن‌گری‌های او در انتقاد از نظام شاهی یکی از زمینه‌سازی‌های انقلاب مشروطه بود. انیس‌الدوله قدرتمندترین و صاحب‌نفوذترین زن در دربار ناصرالدین‌شاه که با ورود به دربار و ترقی در آنجا، به انیس‌الدوله ملقب شد. انیس‌الدوله در واقعه رژی که یکی از زمینه‌های خیزش مشروطه‌خواهی بود و در روند جنبش مشروطه تأثیر شایانی داشت، نقش بسزایی ایفا کرد. در 1309 هجری قمری کمپانی رژی انحصار امتیاز دخانیات را از ناصرالدین‌شاه قاجار گرفت. مردم و روحانیون بزرگ به این قرارداد اعتراض می‌کنند. با انتشار فتوای آیت‌الله میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو و توتون، شاه در واکنش به این فتوا، والی تهران عبداللّٰه‌خان را نزد حسن آشتیانی که مخالف قرارداد رژی بود می‌فرستد و از وی می‌خواهد یا جلوی چشم مردم قلیان بکشد یا از ایران برود. میرزا حسن راه دوم را در پیش می‌گیرد و مردم نیز از زن و مرد و کوچک و بزرگ در اطراف خانه او جمع می‌شوند. در مدت کوتاهی دکان‌ها بسته و تعطیل عمومی می‌شود. مردم می‌گویند اگر باید حرکت کنید ما هم تهران را خالی می‌کنیم. زنان در این حرکت اجتماعی حضور فعالی از خود نشان می‌دهند. پس از اعتراضات مردمی عده‌ای جلوی کاخ نایب‌السلطنه کامران‌میرزا کشته می‌شوند. پس از آن گروهی از زنان برجسته حرمسرا و خدمتکاران شاه تمام قلیان‌های بلوری و چینی و گلی را می‌شکنند و پس از شایعه اعلان حکم جهاد علما صدای زنان بلند می‌شود که «امروز اگر مردان ما مانند زنان در خانه بنشینند، ما زنان جامه مردان پوشیم و حق خود را از دست نمی‌دهیم، ما اجرای حکم خدا را می‌خواهیم». زنان چه در خانه‌ها و چه در گذرگاه‌های عمومی همه را از مصرف دخانیات منع می‌کنند. انیس‌الدوله نیز در دربار هنگامی که شاه قلیان می‌خواهد، پاسخ می‌دهد: «قلیان‌کشیدن حرام است. شاه می‌گوید چه کسی آن را حرام کرده است؟ پاسخ می‌دهد همان کسی که مرا به تو حلال کرده است» و به این ترتیب شاه را برای لغو قرارداد رژی تحت تأثیر قرار داد. همچنین این زن سوگلی در مجموع نفوذی فوق‌العاده بر شخص شاه داشت و در واقع شاه از وی حساب می‌برد و در برخی امور با او مشورت می‌کرد. نفوذ و اقتدار وی در دربار به حدی روشن و آشکار بود که دولتمردان خارجی نیز به نوعی برای پیشبرد مقاصد خود به او توجه داشتند. وی اولین زن در دربار قاجار بود که از طرف پادشاهان اروپایی و دولت عثمانی به دریافت نشان نائل شد. نشان حمایل آفتاب از آن جمله بود. انیس‌الدوله در مسائل روز حکومتی از جمله عزل و نصب‌ها نیز نقش ایفا می‌کرد. چنان که در عزل سپهسالار نقش داشت. بنا بر برخی گزارش‌ها انیس‌الدوله گاه از نفوذ خود بر شاه به‌نفع رعیت نیز سود می‌برد، چنان که پیشنهاد ابقای رکن‌الدوله به حکومت شیراز را که در جهت نفع و صلاح رعیت بود، انیس‌الدوله می‌دهد. انیس‌الدوله در سال 1314 هجری قمری درگذشت، اما شرکت و ن

فوذ وی در جریان واقعه رژی زمینه جنبش مشروطه‌خواهی را فراهم آورد و نام خود را در تاریخ معاصر بر جای گذاشت. افتخارالسلطنه‌ها دختران ناصرالدین‌شاه قاجار بود که پیش از جنگ بین‌المللی اول، انجمن «حریت زنان» را در سال 1325 هجری قمری به کوشش بانوانی آزاده مانند میرزا باجی‌خانم، نواب سهیلی، صدیقه دولت‌آبادی، منیرخانم، گلین‌خانم و تاج‌السلطنه، خواهرش تشکیل داد. نظام‌نامه مجلس براساس نیازهای اولیه زنان در تعلیم و تربیت آنان و بالابردن سطح آگاهی آنان بود. همچنین از اهداف مهم این انجمن ایجاد زمینه‌هایی برای راهیافتن زنان به جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی هم‌دوش مردان بود تا از این طریق به کسب حقوق اجتماعی و سیاسی خود برسند. از ویژگی‌های این انجمن شرکت اعضا به شکل خانوادگی، شوهران و زنان و دختران، در جلسات انجمن بود. اداره جلسات و ایراد سخنرانی از سوی بانوان انجام می‌شد. جلسات انجمن ماهی دو بار در محلی خارج از شهر تهران (فیشرآباد) به‌دلیل راحتی رفت‌وآمد انجام می‌گرفت. این جلسات مخفی بود و به‌محض اطلاع مخالفان از این جلسات، حملاتی به انجمن می‌شد، اما به‌دلیل مقاومت این انجمن، اعمال مخالفان به جایی نرسید. افتخارالسلطنه یکی از فعالان این انجمن و زنی شاعر بود که از فکری روشن، اندیشه‌ای آزاد، احساساتی سرشار از ذوق و سلیقه‌ای هنرمندانه بهره‌مند بود. زینب‌پاشا سرده‌زنان مبارز و انقلابی تبریزی که در جریان نهضت تحریم تنباکو با عده‌ای از زنان چادری مسلح که گوشه‌های چادر نماز خود را به کمر بسته بودند، می‌آیند و در

برابر مأموران حکومتی که به زور و ارباب مغازه‌ها را باز کرده بودند، می‌ایستند و بازاریان را به بستن دکان‌هایشان تشویق می‌کنند. (1309 هجری قمری) در جریان قحطی مصنوعی تبریز، زینب‌پاشا با جمعی از زنان مبارز درهای انبارهای گندم مالکان را باز می‌کرد و در اختیار نیازمندان می‌گذاشت. زینب‌پاشا و دسته زنان همراه او همواره با کانون‌های فساد مبارزه می‌کردند و پس از آن نیز از نظرها پنهان می‌شدند و کسی به هویت آنان پی نمی‌برد. زینب‌پاشا که به بی‌بی‌شاه‌زینب، زینب‌باجی و دهباشی‌زینب نیز معروف بوده، در تاراج خانه نظام‌العلمای دیبا نیز که به علت کمبود نان در اوایل نیمه دوم ربیع‌الثانی در تبریز صورت گرفت، شرکت داشت. روزنامه ناصری که در تبریز انتشار می‌یافت، گزارشی از شورش مذکور که منجر به کشته‌شدن عده‌ای و ویرانی خانه‌های نظام‌العلماء و علاءالملک و ثقه‌الدوله شده، در شماره مورخ 21 ربیع‌الثانی 1316 خود درج کرده است. زینب‌پاشا، از پیش‌تازان زن مبارز در آستانه جنبش مشروطه با چهره یک زن شجاع و حق‌طلب و عدالت‌خواه در ادبیات شفاهی راه یافته و هنوز هم نام وی ورد زبان مردم آذربایجان است. مزین‌السلطنه‌میریم عمید ملقب به مزین‌السلطنه از زنان روشنفکر و آگاه عصر قاجار و از زنان روزنامه‌نگار که دومین نشریه زنان ایران «روزنامه شکوفه» را در سال 1332 منتشر کرد. او دختر میر سیدرضی رئیس‌الاطباء پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار و خواهر میرزا سیدابراهیم‌خان عمیدالسلطنه بود. تحصیلات اولیه خود را در خانه نزد پدر فراگرفت و پس از آن نیز به فراگیری علم و دانش پرداخت. زبان فرانسه و فن عکاسی را نیز آموخت. مزین‌السلطنه در دوران مشروطه با تأسیس روزنامه شکوفه وارد عرصه فعالیت مطبوعاتی شد و در جهت آگاه‌کردن جامعه زنان و مبارزه با خرافات و جهل نقش مهمی ایفا کرد و روزنامه شکوفه به تدریج طرفداران زیادی پیدا کرد. خانم مزین‌السلطنه در انگیزه‌اش از چاپ روزنامه می‌نویسد: «این کمینه خادمه وطن... بر خود لازم دانسته به قدر قوه عاقله ناقصه خود و به اندازه سهم خویش با قلبی شکسته و نطقی آشفته که سال‌ها در این خیال بودم که چه جهت دارد از ما زن‌های ایرانی هیچ آثار علم و دانشی به عرصه بروز و ظهور نرسد. هیچ‌وقت خیال نمی‌کردم که باید علم و دانش منحصر به صنف رجال باشد و زن‌ها از این فیض عظمی محروم و مأیوس باشند. در صورتی که قادر متعال هر دو را یکسان آفریده... بدین جهت بر خود مخیر نمودم که روزنامه موسوم به شکوفه که هنوز طفل نابالغ و چون شکوفه نشکفته است، طبع نمایم، که در این جریده به غیر از اخلاق و آداب تربیت اطفال و حفظ‌الصحه مختصری برای آنها ترک عادات بد از قبیل دروغ‌گویی، کینه‌جویی، پست‌فطرتی، بی‌ناموسی، لامذهبی... و سایر اعمال و افعال قبیحه و آداب خانه‌داری و تشویق به بعضی هنرهای لازمه و ذکر احوالات بعضی از زنان جلیله غنیه صالحه روزگار و بعضی نصایح چیز دیگر نوشته نشود». مزین‌السلطنه از سال سوم به بعد انتشار روزنامه به مسائل سیاسی مانند استقلال ملی، مبارزه با نفوذ بیگانگان و تحریم کالاهای وارداتی و ترویج منسوجات وطنی و وظایف زنان در قبال آن نیز می‌پرداخت. مزین‌السلطنه همچنین از جمله زنانی بود که اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه در تهران به نام دارالعلم و صنایع مزینیه نیز کرد. مزین‌السلطنه در مجامع زن

ان همچون انجمن همت خوانین نیز شرکت می‌کرد. این انجمن که با حضور گروهی از مدیران مدارس دخترانه و فعالان حقوق زنان تشکیل شده بود (1333 هجری قمری)، به ترویج و تبلیغ استفاده از اشیاء و منسوجات وطنی و تشویق به فراگیری هنرهای دستی نزد خانم‌ها می‌پرداخت و در شرایط جهانی آن روزگار که کشور در آستانه جنگ جهانی اول قرار گرفته و تجارت جهانی نیز اختلال پیدا کرده بود، تنها فرصتی بود که صنایع داخلی گسترش یابد و این انجمن در خدمت تقویت صنایع داخلی توسط زنان آن دوران فعال شد. مزین‌السلطنه در کارنامه فرهنگی خود به ترجمه چند کتاب از فرانسه به فارسی نیز همت گماشت و در سال 1337 هجری قمری در سمنان بر اثر سگته قلبی درگذشت. بانو آغابگی‌مکی از مؤسسان انجمن مخدرات وطن که در سال 1329 هجری قمری / 1285 هجری شمسی است. انجمن مخدرات وطن از تشکلهای سیاسی زنان و بسیار قوی و تأثیرگذار بر مسائل داخلی و خارجی کشور در دوران مشروطه بود. بانو آغابگی‌مکی ریاست انجمن را عهده‌دار بود، اهداف انجمن را این‌گونه گفته: دفاع از استقلال میهن، مخالفت با استقراض از بیگانگان، جلوگیری از خرید کالاهای خارجی و تحریم آنان و تبلیغ برای کالاهای داخلی... در ضمن این انجمن نیم‌نگاهی به مشارکت زنان در امور سیاسی کشور داشت. از اقدامات بانو آغابگی‌مکی احداث یک باب مدرسه شبانه‌روزی برای دختران متعلق به طبقات فقیر و بی‌بضاعت بود. از کارهای مهم انجمن مخدرات وطن مخالفت سرسختانه با اولتیماتوم روسیه تزاری بود و فعالیت انجمن نیز به عرصه ملی محدود نماند. آنان از جمله پیشگامانی بودند که با ارسال تلگراف‌هایی به سازمان‌ها و مجامع مدافع حقوق زنان، تقاضای حمایت و یاری از آنان کردند. بانو آغابگی‌مکی و همکارانش در انجمن به منظور اعتراض به نقش حق حاکمیت ملی تظاهراتی برپا کردند که در این تظاهرات هزاران زن کفن‌پوش شرکت کردند. در سخنرانی‌های پرشوری که در دفاع از استقلال وطن، حق حاکمیت ملی و رد اولتیماتوم روسیه ایران کردند، طوماری نیز علیه دخالت بیگانگان از جانب زنان ایران تهیه کردند و به مجلس شورای ملی فرستادند. آغا شاهزاده امین همسر ملک‌المتکلمین و دختر حاج میرزا حسن رشیدیه نیز از جمله فعالان زن در این انجمن بودند. لازم به ذکر است که تشکلهای سیاسی - اجتماعی زنان در این دوران با مدیریت بانوان پرشور و آگاه ایجاد شده بود که از جمله می‌توان به اتحادیه غیبی نسوان اشاره کرد که تنها تشکل سیاسی زنان و یکی از مهم‌ترین آنها بود و همان‌طور که از نامش پیداست، هویت زنان در این تشکل سیاسی مخفی بود. همچنین از دیگر تشکلهای

می‌توان به انجمن آزادی زنان و انجمن مخدرات وطن و انجمن همت خواتین و جمعیت پیک سعادت نسوان و جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران و مجمع انقلاب زنان اشاره کرد. نتیجه‌جنبش مشروطیت ایران، سیمای جامعه ایرانی را دگرگون کرد. نهضت بیداری زنان و حضور فعال زنان که در بالا به برخی از آنان اشاره شد، با همکاری مردان متمدن ایرانی مانند سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المکلمین، عارف قزوینی، صوراسرافیل و میرزاده عشقی و دهخدا و ملک‌الشعرا بهار، رشد و شکوفایی خود را آغاز و بنیادهای نوینی را در جامعه ایران استوار کرد. یادشان گرامی باد. **کارشناس ارشد تحقیقات پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی**
عضو هیئت‌مدیره انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

فائزه توکلی : جنبش مشروطه ایران، جنبش ضداستبدادی و نوجوایی علیه سنت‌گرایی بود. در این جنبش، زنان همدوش و همراه مردان بودند. نقش زنان ایرانی در تحولات اجتماعی، مبارزات و شورش‌ها، به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع، همواره نمود بارزی در تاریخ معاصر کشورمان داشته است. در ذیل شرح‌حال برخی از زنان پیشرو در دوران مشروطه می‌آید. بی‌بی‌خانم استرآبادیاز جمله زنانی که در بالابردن سطح آگاهی و شعور زنان در دوره مشروطه نقش داشت، بی‌بی‌خانم استرآبادی بود. پدرش کربلایی باقرخان نام داشت که قوللر آقاسی فتح‌علی‌شاه بود. بی‌بی‌خانم در محیط اندرونی ناصرالدین‌شاه قاجار پرورش یافت و به فرمان همین شاه قاجار، همراه دختران دیگر دربار به آموختن علم پرداخت. حاصل زندگی خانوادگی بی‌بی‌خانم پس از ازدواج با موسی‌خان وزیری، معروف به پیمبر، هفت فرزند بود که پس از گرفتن یک خدمتکار زن به نام بانو برای امور خانه، با خیانت همسرش مواجه و دچار مشکلات زناشویی شد؛ تا جایی که برای مدتی خانه و کاشانه را ترک کرد. ولی پس از چندی به ناچار با شوهر از در آشتی درآمد که از استحکام چندانی برخوردار نبود؛ زیرا موسی‌خان چندی بعد از همسر دیگر خود صاحب دختری به نام مریم شد. از این‌رو، بی‌بی‌خانم که اینک تجربه تلخ هواداری را تجربه کرده بود، راه جدایی آشتی‌ناپذیری را با موسی‌خان پیش گرفت. بی‌بی‌خانم در یک میهمانی زنانه، کتاب زن‌ستیز «تأدیب‌النسوان» تألیف خانم میرزا احتشام‌الدوله را دید. بنا بر درخواست بسیاری از زنان هم‌عصر خود، درصدد پاسخ‌گویی به آن برآ

مد. به همین منظور، کتاب «معایب‌الرجال» را در 313 هجری قمری به نام ناصرالدین‌شاه نوشته و به او تقدیم کرد و کتاب را در چهار مجلس: اطوار شراب‌خواری، کردار اهل قلم، چرس و بنگ و وافر و اسرار، عباقر و الواط، در رد تأدیب‌النسوان به رشته تحریر درآورد. بی‌بی‌خانم در این کتاب عنوان می‌کند که هیچ مردی از زنی بالاتر نیست و هیچ زنی نیز از مردی پایین‌تر نیست. به همین جهت، او از کتاب تأدیب‌النسوان که جهت فکری نویسنده را که رستگاری زن را در گرو اطاعت محض از شوهر می‌داند و تعدد زوجات مرد را ناشی از عدم تمکین و اطاعت محض از مردان قلمداد می‌کند، انتقاد می‌کند و می‌نویسد مؤلف از تحریر آن صرفاً قصد داشته که زنان را مطابق خواسته‌ها و معیار مردان تربیت کند. از این‌رو، آن را نه تنها وسیله تربیت زنان نمی‌داند، بلکه ابزاری برای ستمکاری مردان بر می‌شمارد. بی‌بی‌خانم به دلیل برخورداری از سطح خوب آگاهی‌های اجتماعی، مطالبی راجع به صیغه، تعدد زوجات، بسیاری از عادات زشت و دل‌مشغولی‌های ناشایست مردان را بیان می‌کند و این مسائل را زمینه‌ساز مشکلات و بحران در نهاد خانواده ایرانی می‌داند. از کتاب معایب‌الرجال چند نسخه خطی باقی است؛ یکی به خط خود بی‌بی‌خانم که دخترش مولود وزیری آن را به کتابخانه مجلس شورای ملی سپرد. در بهار 1371 هجری شمسی / 1992 میلادی، کانون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان کتاب، این اثر و کتاب تأدیب‌النسوان را تحت عنوان «رویاری زن و مرد در عصر قاجار: تأدیب‌النسوان و معایب‌الرجال» در شیکاگو در سلسله انتشارات نگرش و نگارش زن به چاپ رساندند. بی‌بی‌خانم از آنجایی که معتقد بود پسر و دختر باید یکسان آموزش ببینند و کسب معرفت کنند، در این راه خاموش ننشست. او برای رفع ظلم از زنان و رشد و آگاهی و تربیت آنان، در 1324 هجری قمری، نخستین مدرسه دخترانه تهران را با نام دبستان دوشیزگان تأسیس کرد. تاج‌السلطنه‌ها زنانی که با افکار نوین اجتماعی، تاریخ فرانسه، اهمیت تدوین قوانین مدنی و تعلیم و تربیت و چهره‌های سیاسی آن زمان مانند بیسمارک آشنا شد و زمینه آگاهی او نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی ارتقا یافت، تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه بود. بر اثر تحولی فکری که در او ایجاد شد، خاطراتی را از وضعیت اجتماعی زنان آن دوران به تحریر درآورد که در آن، زنان را به گرفتن حقوق خود تشویق می‌کرد و حقوق زنان را تربیت اطفال، کمک‌کردن به مردها مانند زنان اروپایی، پاک‌ی و عفت، وطن‌دوستی، طرد تنبلی و خانه‌نشینی و... می‌دانست. او فرهنگ مدرسالاری را به باد انتقاد می‌گیرد و از اینکه زنان ایرانی در کنج خانه، گوشه عزلت اختیار کرده و تمام ساعات عمر مشغول کسب اخلاق بد هستند، ابراز ناخشنودی و نارضایتی می‌کند. جهل و خرافه‌پرستی و بی‌سوادی زنان را مطرود می‌داند. او به ریشه‌یابی مشکلات زنان می‌پردازد و عواملی را که منجر به فساد و فحشای زنان می‌شود، بر می‌شمارد و تعدد زوجات در مردان را به‌ویژه در پدر خود، ناصرالدین‌شاه، به همین دلیل، سلطانی فوق‌العاده بدبخت می‌داند که هیچ‌گاه نمی‌توانسته میل یا علاقه خود را به‌موقع به زن یا اولاد خود بروز دهد. همچنین او در خاطرات خود، نگاهی دقیق و نقادانه به نحوه سلطنت و ملکداری

ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه و اوضاع دربار آنان دارد؛ تا آنجا که مظفرالدین‌شاه را فردی ضعیف، نادان و عسرت‌طلب می‌دانست و فسادهای اخلاقی او و درباریانش، نقش رجال سیاسی و سرنوشت‌ساز مملکت مانند امین‌السلطان و سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ظلم و ستم خانواده آقابالاخان در طالش را تشریح و توصیف می‌کند. به این ترتیب، تاج‌السلطنه با نقد بی‌پروایانه تاریخ خاندان خود، به انتقاد از آنان می‌پردازد. تاج‌السلطنه در خاطرات خود به قراردادهایی که نتیجه‌ای جز پریشان‌حالی و فقر برای ملت ایران دربر نداشته، بی‌اعتنا نبوده و به واگذاری نفت مناطق بختیاری به انگلیسی‌ها واکنش نشان داده و به دیده انتقادی به آن نگریسته است. تاج‌السلطنه از زنان درباری پیشرویی بود که با بصیرت از اوضاع اجتماعی دوران خود در جهت روشنگری زنان و حقوقشان گام‌های مهمی برداشت. ربابه صالحی‌برغانیربایه‌خانم، دختر ملا محمدصالح برغانی و آمنه‌خانم قزوینی است، او خواهر طاهره قره‌العین است. خاندان او از روحانیون صاحب‌نامی بودند که بسیاری از زنان و مردان آن از علما و فضایی برجسته محسوب می‌شدند. ربابه از زنان عالم، فاضل، محدث، مجتهد، خطیب و واعظ در عصر قاجار بود. ربابه از جمله زنانی بود که در سخنرانی‌ها و مجالس از مظالم دربار و امرا به‌ویژه شخص ناصرالدین‌شاه قاجار انتقاد می‌کرد و شاه قاجار به هیچ‌وجه به او معترض نمی‌شد. او به جهت تسلط بر احادیث کتب اربعه و آرای علمای گذشته و هم‌عصر به استنباط احکام شرعی و موضوعات علمی می‌پرداخت و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد. ربابه از زنان خیری نیز بود که به فقرا و درمان دگان پناه می‌داد. ربابه در زمینه نظم، دیوان شعری دارد به عربی و فارسی که قسمتی از اشعار عربی او در شرح مناقب خاندان عصمت و طهارت و امام حسین علیه‌السلام است و آثار نثر او عبارت‌اند از: رساله‌ای در عرفان، کتاب زکات، کتب ارث، کتاب امامت. ربابه صالحی در سال 1322 هجری قمری درگذشت اما روشنگری‌های او در انتقاد از نظام شاهی یکی از زمینه‌سازی‌های انقلاب مشروطه بود. انیس‌الدوله قدرتمندترین و صاحب‌نفوذترین زن در دربار ناصرالدین‌شاه که با ورود به دربار و ترقی در آنجا، به انیس‌الدوله ملقب شد. انیس‌الدوله در واقعه رژی که یکی از زمینه‌های خیزش مشروطه‌خواهی بود و در روند جنبش مشروطه تأثیر شایانی داشت، نقش بسزایی ایفا کرد. در 1309 هجری قمری کمپانی رژی انحصار امتیاز دخانیات را از ناصرالدین‌شاه قاجار گرفت. مردم و روحانیون بزرگ به این قرارداد اعتراض می‌کنند. با انتشار فتوای آیت‌الله میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو و توتون، شاه در واکنش به این فتوا، والی تهران عبدالله‌خان را نزد حسن آشتیانی که مخالف قرارداد رژی بود می‌فرستد و از وی می‌خواهد یا جلوی چشم مردم قلیان بکشد یا از ایران برود. میرزا حسن راه دوم را در پیش می‌گیرد و مردم نیز از زن و مرد و کوچک و بزرگ در اطراف خانه او جمع می‌شوند. در مدت کوتاهی دکان‌ها بسته و تعطیل عمومی می‌شود. مردم می‌گویند اگر باید حرکت کنید ما هم تهران را خالی می‌کنیم. زنان در این حرکت اجتماعی حضور فعالی از خود نشان می‌دهند. پس از اعتراضات مردمی عده‌ای جلوی کاخ نایب‌السلطنه کامران میرزا کشته می‌شوند. پس از آن گروهی از زنان برجسته حرمسرا و خدمتکاران شاه تمام قلیان‌های بلوری و چینی و گلی را می‌شکنند و پس از شایعه اعلان حکم جهاد علما صدای زنان بلند می‌شود که «امروز اگر مردان ما مانند زنان در خانه بنشینند، ما زنان جامه مردان پوشیم و حق خود را از دست نمی‌دهیم، ما اجرای حکم خدا را می‌خواهیم». زنان چه در خانه‌ها و چه در گذرگاه‌های عمومی همه را از مصرف دخانیات منع می‌کنند. انیس‌الدوله نیز در دربار هنگامی که شاه قلیان می‌خواهد، پاسخ می‌دهد: «قلیان کشیدن حرام است. شاه می‌گوید چه کسی آن را حرام کرده است؟ پاسخ می‌دهد همان کسی که مرا به تو حلال کرده است» و به این ترتیب شاه را برای لغو قرارداد رژی تحت تأثیر قرار داد. همچنین این زن سوگلی در مجموع نفوذی فوق‌العاده بر شخص شاه داشت و در واقع شاه از وی حساب می‌برد و در برخی امور با او مشورت می‌کرد. نفوذ و اقتدار وی در دربار به حدی روشن و آشکار بود که دولتمردان خارجی نیز به نوعی برای پیشبرد مقاصد خود به او توجه داشتند. وی اولین زن در دربار قاجار بود که از طرف پادشاهان اروپایی و دولت عثمانی به دریافت نشان نائل شد. نشان حمایل آفتاب از آن جمله بود. انیس‌الدوله در مسائل روز حکومتی از جمله عزل و نصب‌ها نیز نقش ایفا می‌کرد. چنان که در عزل سپهسالار نقش داشت. بنا بر برخی گزارش‌ها انیس‌الدوله گاه از نفوذ خود بر شاه به نفع رعیت نیز سود می‌برد، چنان که پیشنهاد ابقای رکن‌الدوله به حکومت شیراز را که در جهت نفع و صلاح رعیت بود، انیس‌الدوله می‌دهد. انیس‌الدوله در سال 1314 هجری قمری درگذشت، اما شرکت و نفوذ وی در جریان واقعه رژی زمینه جنبش مشروطه‌خواهی را فراهم آورد و نام خود را در تاریخ معاصر بر جای گذاشت. افتخارالسلطنه‌ها دختران ناصرالدین‌شاه قاجار بود که پیش از جنگ بین‌المللی اول، انجمن «حریت زنان» را در سال 1325 هجری قمری به کوشش بانوانی آزاده مانند میرزا باجی‌خانم، نواب سهیلی، صدیقه دولت‌آبادی، منیره‌خانم، گلین‌خانم و تاج‌السلطنه، خواهرش تشکیل داد. نظام‌نامه مجلس بر اساس نیازهای اولیه زنان در تعلیم و تربیت آنان و بالابردن سطح آگاهی آنان بود. همچنین از اهداف مهم این انجمن ایجاد زمینه‌هایی برای راه یافتن زنان به جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی هم‌دوش مردان بود تا از این طریق به کسب حقوق اجتماعی و سیاسی خود برسند. از ویژگی‌های این انجمن شرکت اعضا به شکل خانوادگی، شوهران و زنان و دختران، در جلسات انجمن بود. اداره جلسات و ایراد سخنرانی از سوی بانوان انجام می‌شد. جلسات انجمن ماهی دو بار در محلی خارج از شهر تهران (فیشرآباد) به دلیل راحتی رفت‌وآمد انجام می‌گرفت. این جلسات مخفی بود و به محض اطلاع

مخالفان از این جلسات، حملاتی به انجمن می‌شد، اما به دلیل مقاومت این انجمن، اعمال مخالفان به جایی نرسید. افتخار السلطنه یکی از فعالان این انجمن و زنی شاعر بود که از فکری روشن، اندیشه‌ای آزاد، احساساتی سرشار از ذوق و سلیقه‌ای هنرمندانه بهره‌مند بود. زینب‌پاشا سر دسته زنان مبارز و انقلابی تبریزی که در جریان نهضت تحریم تنباکو با عده‌ای از زنان چادری مسلح که گوشه‌های چادر نماز خود را به کمر بسته بودند، می‌آیند و در برابر مأموران حکومتی که به زور و ارعاب مغازه‌ها را باز کرده بودند، می‌ایستند و بازاریان را به بستن د

کان‌هایشان تشویق می‌کنند. 1309 هجری قمری) در جریان قحطی مصنوعی تبریز، زینب‌پاشا با جمعی از زنان مبارز درهای انبارهای گندم مالکان را باز می‌کرد و در اختیار نیازمندان می‌گذاشت. زینب‌پاشا و دسته زنان همراه او همواره با کانون‌های فساد مبارزه می‌کردند و پس از آن نیز از نظرها پنهان می‌شدند و کسی به هویت آنان پی نمی‌برد. زینب‌پاشا که به بی‌بی‌شاه‌زینب، زینب‌باجی و دهباشی‌زینب نیز معروف بوده، در تاراج خانه نظام‌العلمای دیبا نیز که به علت کمبود نان در اوایل نیمه دوم ربیع‌الثانی در تبریز صورت گرفت، شرکت داشت. روزنامه ناصری که در تبریز انتشار می‌یافت، گزارشی از شورش مذکور که منجر به کشته‌شدن عده‌ای و ویرانی خانه‌های نظام‌العلماء و علاءالملک و ثقه‌الدوله شده، در شماره مورخ 21 ربیع‌الثانی 1316 خود درج کرده است. زینب‌پاشا، از پیشتازان زن مبارز در آستانه جنبش مشروطه با چهره یک

زن شجاع و حق‌طلب و عدالت‌خواه در ادبیات شفاهی راه یافته و هنوز هم نام وی ورد زبان مردم آذربایجان است. مزین‌السلطنه مریم عمید ملقب به مزین‌السلطنه از زنان روشنفکر و آگاه عصر قاجار و از زنان روزنامه‌نگار که دومین نشریه زنان ایران «روزنامه شکوفه» را در سال 1332 منتشر کرد. او دختر میر سیدرضی رئیس‌الاطبا پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار و خواهر میرزا سیدابراهیم‌خان عمیدالسلطنه بود. تحصیلات اولیه خود را در خانه نزد پدر فراگرفت و پس از آن نیز به فراگیری علم و دانش پرداخت. زبان فرانسه و فن عکاسی را نیز آموخت. مزین‌السلطنه در دوران مشروطه با تأسیس روزنامه شکوفه وارد عرصه فعالیت مطبوعاتی شد و در جهت آگاه‌کردن جامعه زنان و مبارزه با خرافات و جهل نقش مهمی ایفا کرد و روزنامه شکوفه به تدریج طرفداران زیادی پیدا کرد. خانم مزین‌السلطنه در انگیزه‌اش از چاپ

روزنامه می‌نویسد: «این کمینه خادمه وطن... بر خود لازم دانسته به قدر قوه عاقله ناقصه خود و به اندازه سهم خویش با قلبی شکسته و نطقی آشفته که سال‌ها در این خیال بودم که چه جهت دارد از ما زن‌های ایرانی هیچ آثار علم و دانشی به عرصه بروز و ظهور نرسد. هیچ وقت خیال نمی‌کردم که باید علم و دانش منحصر به صنف رجال باشد و زن‌ها از این فیض عظمی محروم و مأیوس باشند. در صورتی که قادر متعال هر دو را یکسان آفریده... بدین جهت بر خود مخیر نمودم که روزنامه موسوم به شکوفه که هنوز طفل نابالغ و چون شکوفه نشکفته است، طبع نمایم، که در این جریده به غیر از اخلاق و آداب تربیت اطفال و حفظ‌الصحه مختصری برای آنها ترک عادات بد از قبیل دروغ‌گویی، کینه‌جویی، پست‌فطرتی،

بی‌ناموسی، لامذهبی... و سایر اعمال و افعال قبیحه و آداب‌خانداری و تشویق به بعضی هنرهای لازمه و ذکر احوالات بعضی از زنان جلیله عقیقه صالحه روزگار و بعضی نصایح چیز دیگر نوشته نشود». مزین‌السلطنه از سال سوم به بعد انتشار روزنامه به مسائل سیاسی مانند استقلال ملی، مبارزه با نفوذ بیگانگان و تحریم کالاهای وارداتی و ترویج منسوجات وطنی و وظایف زنان در قبال آن نیز می‌پرداخت. مزین‌السلطنه همچنین از جمله زنانی بود که اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه در تهران به نام دارالعلم و صنایع مزینیه نیز کرد. مزین‌السلطنه در مجامع زنان همچون انجمن همت خوانین نیز شرکت می‌کرد. این انجمن که با حضور گروهی از مدیران مدارس دخترانه و فعالان حقوق زنان تشکیل شده بود 1333

هجری قمری)، به ترویج و تبلیغ استفاده از اشیاء و منسوجات وطنی و تشویق به فراگیری هنرهای دستی نزد خانم‌ها می‌پرداخت و در شرایط جهانی آن روزگار که کشور در آستانه جنگ جهانی اول قرار گرفته و تجارت جهانی نیز اختلال پیدا کرده بود، تنها فرصتی بود که صنایع داخلی گسترش یابد و این انجمن در خدمت تقویت صنایع داخلی توسط زنان آن دوران فعال شد. مزین‌السلطنه در کارنامه فرهنگی خود به ترجمه چند کتاب از فرانسه به فارسی نیز همت گماشت و در سال 1337 هجری قمری در سمنان بر اثر سکنه قلبی درگذشت. بانو آغابییگی از مؤسسان انجمن مخدرات وطن که در سال

1329 هجری قمری / 1285 هجری شمسی است. انجمن مخدرات وطن از تشکلهای سیاسی زنان و بسیار قوی و تأثیرگذار بر مسائل داخلی و خارجی کشور در دوران مشروطه بود. بانو آغابییگم که ریاست انجمن را عهده‌دار بود، اهداف انجمن را این‌گونه گفته: دفاع از استقلال میهن، مخالفت با استقراض از بیگانگان، جلوگیری از خرید کالاهای خارجی و تحریم آنان و تبلیغ برای کالاهای داخلی... در ضمن این انجمن نیم‌نگاهی به مشارکت زنان در امور سیاسی کشور داشت. از اقدامات بانو آغابییگم احداث یک باب مدرسه شبانه‌روزی برای دختران متعلق به طبقات فقیر و بی‌پضاعت بود. از کارهای مهم انجمن مخدرات وطن مخالفت سرسختانه با اولتیماتوم روسیه تزاری بود و فعالیت انجمن نیز به عرصه ملی محدود نماند. آنان از جمله پیشگامانی بودند که با ارسال تلگراف‌هایی به سازمان‌ها و مجامع مدافع حقوق زنان، تقاضای حمایت و یاری از آنها

ن کردند. بانو آغابییگم و همکارانش در انجمن به منظور اعتراض به نقش حق حاکمیت ملی تظاهراتی برپا کردند که در این تظاهرات هزاران زن کفن‌پوش شرکت کردند. در سخنرانی‌های پرشوری که در دفاع از استقلال وطن، حق حاکمیت ملی و

رد اولتیماتوم روسیه ایران کردند، طوماری نیز علیه دخالت بیگانگان از جانب زنان ایران تهیه کردند و به مجلس شورای ملی فرستادند. آغا شاهزاده امین همسر ملک‌المتکلمین و دختر حاج میرزا حسن رشديه نیز از جمله فعالان زن در این انجمن بودند. لازم به ذکر است که تشکلهای سیاسی- اجتماعی زنان در این دوران با مدیریت بانوان پرشور و آگاه ایجاد شده بود که از جمله می‌توان به اتحادیه غیبی نسوان اشاره کرد که تنها تشکل سیاسی زنان و یکی از مهم‌ترین آنها بود و همان‌طور که از نامش پیداست، هویت زنان در این تشکل سیاسی مخفی بود. همچنین از دیگر تشکلهای می‌توان به انجمن آزادی زنان و انجمن مخدرات وطن و انجمن همت خواتین و جمعیت پیک سعادت نسوان و جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران و مجمع انقلاب زنان اشاره کرد. نتیجه‌جنبش مشروطیت ایران، سیمای جامعه ایرانی را دگرگون کرد. نهضت بیداری زنان و حضور فعال زنان که در بالا به برخی از آنان اشاره شد، با همکاری مردان مترقی و متدین ایرانی مانند سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المتکلمین، عارف قزوینی، صوراسرافیل و میرزاده عشقی و دهخدا و ملک‌الشعراى بهار، رشد و شکوفایی خود را آغاز و بنیادهای نوینی را در جامعه ایران استوار کرد. یادشان گرامی باد. *کارشناس ارشد تحقیقات پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی‌عضو هیئت‌مدیره انجمن زنان پژوهشگر تاریخ فایزه توکلی